

رویکردی نو در تحلیل حقوقی شروط زیست‌محیطی قراردادهای نفتی

سید فضل‌الله موسوی*

استاد گروه حقوق عمومی و بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

مجتبی عینی

دانشجوی دکتری تخصصی حقوق نفت و گاز دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۸ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۲/۲۳)

چکیده

حفاظت از محیط زیست یکی از ابعاد مهم توسعه پایدار است که در تمامی فعالیت‌های اقتصادی، به‌ویژه پروژه‌های نفتی باید مورد توجه قرار گیرد. شروط زیست‌محیطی قراردادهای نفتی با اینکه تا حدود زیادی متأثر از معیارهای همسان بین‌المللی است، در قراردادها و پروژه‌های مختلف جلوه‌های گوناگونی به خود می‌گیرد. ضوابط حاکم بر محیط زیست، طرح‌ها و برنامه‌هایی که پیمانکار ملزم به تبعیت از اجرای آن‌هاست، لوازم مدیریت زیست‌محیطی پروژه که به دنبال رویارویی مؤثر با مشکلات زیست‌محیطی است و در پایان، مسئولیت ناشی از خسارت‌های زیست‌محیطی، مبانی و حدود آن، مهم‌ترین موضوعات زیست‌محیطی است که در قراردادهای نفتی به تفصیل از آن بحث می‌شود و تحلیل مسائل آن با تأکید بر قراردادهای نفتی جدید و برخی دعاوی زیست‌محیطی، موضوع بررسی مقاله پیش روست.

واژگان کلیدی

ارزیابی پیامد زیست‌محیطی، الزامات زیست‌محیطی، راهبرد زیست‌محیطی، رویه مطلوب بین‌المللی، طرح‌های زیست‌محیطی، مدیریت زیست‌محیطی پروژه، مسئولیت زیست‌محیطی.

مقدمه

امروزه ابعاد زیست‌محیطی پروژه‌های نفتی در دو سطح ملی و بین‌المللی مورد توجه عمومی قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که یکی از شاخصه‌های اصلی توسعه پایدار^۱، حفاظت از محیط زیست است.^۲ در سطح بین‌المللی، معاهدات، اعلامیه‌ها، دستورالعمل‌ها و معیارهای بسیاری شکل گرفته که مسائل زیست‌محیطی را در کانون توجه قرار داده است. در سطح ملی نیز، ابعاد زیست‌محیطی فعالیت‌های اقتصادی در قوانین موضوعه و در مقررات نهادهای زیست‌محیطی در چارچوب دستورالعمل‌ها و ضوابط الزامی بیان می‌شود. بر حسب طبیعت، عملیات نفتی ممکن است آلودگی‌هایی را در خاک، هوا، دریا و سایر عناصر اکوسیستم ایجاد کند و خاستگاه بروز خساراتی به طبیعت و اشخاص شود که دارای ابعاد حقوقی مهمی است و نمونه‌های بسیاری از دعاوی مسئولیت مدنی در کشورهای مختلف در این باره وجود دارد.

بی‌گمان پروژه‌های نفتی برای دولت‌های میزبان و شرکت‌های نفتی بین‌المللی از منظر اقتصادی قابل توجه است. از آنجا که تولید نفت و گاز منبع اصلی درآمد کشورهای نفتی است، تأمین بودجه عمومی و پیشبرد طرح‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای این کشورها در گرو واگذاری هر چه بیشتر پروژه‌ها و کسب حداکثر درآمد ممکن است. از دیدگاه شرکت‌های نفتی بین‌المللی نیز، کسب پروژه‌های بیشتر به معنای ثروت بیشتر و افزایش ارزش سهام شرکت و توان رقابتی بالاتر در بازار سرمایه‌گذاری نفت و گاز است. آلودگی و تخریب محیط زیست، دارای آثار اقتصادی مهمی برای هر دو سو است که هزینه‌هایی را بر پروژه تحمیل می‌کند و به اعتبار تجاری شرکت‌های نفتی بزرگ نیز لطمه خواهد زد؛ تا آنجا که بیشتر شرکت‌های نفتی بین‌المللی خود را ملزم به رعایت معیارها و ضوابط زیست‌محیطی می‌دانند. گاهی آلودگی‌های زیست‌محیطی پروژه‌ها چنان است که پاک‌سازی و احیای آن، میلیاردها دلار برای کشورها هزینه به بار می‌آورد؛ به‌ویژه در مورد آلودگی‌های دریایی که نمونه‌های آن بسیار است و تنش‌هایی را نیز در روابط کشورها و بین دولت‌های میزبان و شرکت‌های نفتی بین‌المللی ایجاد می‌کند.^۳

1. Sustainable development

۲. در تعریف توسعه پایدار گفته شده، توسعه‌ای است که نیازهای نسل حاضر را برآورده سازد، بدون اینکه توانایی نسل‌های آینده را در برآوردن نیازهایشان به خطر اندازد. از منظر توسعه پایدار باید نوعی تعادل میان مسائل اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی برقرار باشد. فجایع زیست‌محیطی برآمده از پروژه‌های نفتی در تناقض با توسعه پایدار و شاخص‌های آن است (Olawuyi, 2012: P1-5).

۳. یکی از مهم‌ترین فجایع زیست‌محیطی ناشی از پروژه نفتی، حادثه سکوی Deepwater Horizon در خلیج مکزیکو ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۱۰ بود که حدود چهار میلیون بشکه نفت خام در یک دوره سه ماهه وارد دریا شد. نمونه دیگر، نشت بیش از چهل هزار بشکه نفت در روز در دلتای نیجر در سال ۲۰۱۱ بود که پیامدهای ناگوار جیران‌ناپذیری برجای گذاشت (Olawuyi, 2012: 1). عملکرد شرکت شل و شرکت فرعی آن (یعنی شل نیجریه)، هم از جهت زیست‌محیطی و

از منظر تحلیل اقتصادی موضوع، می‌توان میان دو حالت تفکیک قائل شد: نخست، جایی که اجرای پروژه مستلزم تخریب جبران‌ناپذیر محیط زیست نباشد که گاهی از چشم‌انداز سنجش منافع ناشی از اجرای پروژه و مقایسه آن با خسارت‌های ناشی از تخریب محیط زیست، اجرای پروژه بهتر است که در نتیجه، پروژه باید اجرا شود و تنها راهی برای کاهش خسارات اندیشید و گاهی به رغم نداشتن تخریب جبران‌ناپذیر محیط زیست، حفظ آن سزاوارتر از اجرای پروژه است که در این موارد باید از اجرای پروژه چشم‌پوشی کرد. دوم، جایی که اجرای پروژه مستلزم تخریب جبران‌ناپذیر محیط زیست باشد که اگرچه، تحلیل اقتصادی موضوع ممکن است به ارجحیت اجرای پروژه در مواردی بینجامد، اصولاً تحلیل‌های اقتصادی کنار گذاشته می‌شود؛ چنانکه در مورد تخریب جبران‌ناپذیر محیط زیست، بسیاری از قوانین هرگونه فعالیت را ممنوع می‌دانند؛ برای نمونه، مطابق اصل ۵۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «... فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است». در بسیاری از قراردادهای نفتی نیز، انجام عملیات در مناطق حفاظت‌شده، مناطق حساس، پارک‌های ملی، محیط زیست آبریان و مواردی از این دست، ممنوع یا منوط به رعایت مقررات خاص، یا اطلاع به برخی از مقامات شده است که این امر حتی در قراردادهای کشورهای کمتر توسعه‌یافته نیز نمایان است.^۱

وجود راهبرد جامع محیط زیستی، ضرورتی است که در سطوح مختلف جهانی، منطقه‌ای و ملی و حتی در سطوح قراردادی و پروژه مطرح می‌شود؛ چراکه امروزه حفاظت از محیط زیست، امری تشریفاتی نیست. با وجود کنوانسیون‌های بین‌المللی متعدد در زمینه آلودگی‌های نفتی ناشی از کشتی‌ها و نفتکش‌ها، در موضوع عملیات بالادستی نفتی، سکوها و چاه‌های موجود در اعماق دریاها، خطوط لوله انتقال نفت در بستر دریا و ... هیچ کنوانسیون فراگیری وجود ندارد. اگر این خلأ را در کنار کاستی‌های ناشی از قوانین ملی اغلب کشورهای نفتی قرار دهیم^۲، روشن می‌شود که شروط و محتوای زیست‌محیطی قراردادهای نفتی، تا چه میزان

هم از جهت حقوق بشر، بسیار مورد انتقاد قرار گرفت تا جایی که این شرکت متهم به جرم علیه بشریت، رفتار غیرانسانی و ... شده است؛ برای نمونه، مراجعه شود به دعوی:

Wiwa v. Royal Dutch Shell Co., Co., No. 96 Civ. 8386 (KMW)(HBP), 1998 U.S. Dist. I. Technical Service Contract for The Rumaila Oil Field, Between South Oil Company of the Republic of Iraq and BP Iraq limited, CNPC International (Iraq) Limited & SOMO, 1997, Article 4(13)- Petroleum Contract for Contract Area 33/07 in the East China Sea, Between China National Offshore Oil Corporation and Primeline Energy China Limited & Primeline Petroleum Corporation, 2012, Article 24(3).

۲. گفتنی است حتی در کشوری مانند ایالات متحده، خلأ قوانین و رژیم تنظیمی (Regulatory Regime) حاکم بر پروژه‌های نفتی محسوس است تا آنجا که برخی از پژوهشگران یکی از علل عمده حادثه سال ۲۰۱۰ خلیج مکزیک را کاستی‌های چنین رژیم دانسته‌اند (Lonter Lev, 2016: 483).

می‌تواند در راهبرد زیست‌محیطی پروژه و جهت دادن به آن مؤثر باشد؛ هرچند با توجه به نسبی بودن اثر قراردادهای و فراتر رفتن ابعاد فجایع زیست‌محیطی از روابط طرفین، قرارداد نفتی نیز خود به تنهایی کافی نیست. به هر حال، راهبرد زیست‌محیطی قرارداد باید متضمن پیشگیری از حوادث، واکنش و مقابله در صورت بروز و کاهش خسارت و تبیین دقیق مسئولیت باشد.

در این مقاله می‌کوشیم تا تحلیل جامعی از ابعاد زیست‌محیطی قراردادهای نفتی، با تکیه بر بررسی موردی جدیدترین قراردادهای نفتی انجام دهیم و چشم‌انداز دقیقی از محتوای زیست‌محیطی نظم قراردادی موجود ارائه کنیم. بنابراین، شروط زیست‌محیطی قراردادهای نفتی در چهار دسته تقسیم و بیان می‌شود: دسته نخست، ناظر بر ارجاع به مقررات، دستورالعمل‌ها، معیارها و ضوابط زیست‌محیطی است که می‌توان آن را قانون حاکم بر مسائل زیست‌محیطی توصیف کرد؛ دسته دوم، شروط مربوط به اجرای طرح‌های زیست‌محیطی است که شرکت‌های نفتی بر پایه ضوابط جدید زیست‌محیطی باید آن‌ها را مورد توجه قرار دهند؛ دسته سوم، مدیریت زیست‌محیطی پروژه را می‌کاود و دسته چهارم، شروط مربوط به مسئولیت مدنی، جبران خسارت و بیمه را بیان خواهد کرد.

۱. ارجاع به مقررات، دستورالعمل‌ها، معیارها و ضوابط زیست‌محیطی

در قراردادهای نفتی، ضوابط زیست‌محیطی حاکم بر پروژه به روش‌های مختلف مشخص می‌شود. چنین ارجاعی، هم ایجاد الزام قراردادی است که باید رعایت شود و هم در مرحله حل و فصل اختلاف منشأ تفسیر قضایی است که در مرجع حل اختلاف انجام می‌شود. ماهیت هنجارها و ضوابط زیست‌محیطی و آثار تبعیت یا عدم تبعیت از آن‌ها در طول اجرای پروژه و اشکالاتی که در مورد آن‌ها وجود دارد، عمده مباحثی است در ادامه به آن می‌پردازیم.

۱.۱. شیوه ارجاع به ضوابط و معیارهای زیست‌محیطی در قراردادهای نفتی

تعیین مقررات، دستورالعمل‌ها و معیارهای حاکم بر مسائل زیست‌محیطی موضوع کلیدی است که در قراردادهای نفتی مطرح می‌شود و عمده‌ترین منبع الزام پیمانکار است. این قواعد حاکم می‌تواند مقررات بین‌المللی، از جمله معاهدات و کنوانسیون‌های خاص، قوانین داخلی، معیارها و دستورالعمل‌های مؤسسات ملی و بین‌المللی باشد؛ برای نمونه، در ارجاع به مقررات معاهدات بین‌المللی، در یک قرارداد نفتی پیمانکار مکلف شده است تمامی تدابیر ضروری برای حفاظت از محیط زیست را مطابق با مقررات موافقت‌نامه‌های بین‌المللی مرتبط با آلودگی

آب دریا توسط مواد هیدروکربنی و مقررات اجرایی آنها اتخاذ کند^۱. همچنین در موارد دیگری به مقررات داخلی دولت میزبان ارجاع داده شده است^۲ و معمولاً بیشتر کشورهای نفتی دارای قوانینی مرتبط با حفاظت از آب، پیشگیری از آلودگی نفتی، ماهی‌گیری، گونه‌های در معرض خطر و ... هستند (Olawuyi, 2012: 6).

با توجه به تفاوت‌های اکولوژیکی مناطق مختلف، گاهی با لحاظ ماهیت منطقه عملیاتی ضوابط خاصی برای آن طراحی می‌شود که ویژه همان پروژه است؛ چنانکه در یکی از قراردادهای دولت آذربایجان تأکید شده است که ویژگی‌های خاص زیست‌محیطی دریای مازندران باید لحاظ شود^۳. همچنین ارجاع به رویه مطلوب^۴ صنعت بین‌المللی یا رویه‌های عمومی پذیرفته‌شده در صنعت نفت و مواردی از این دست نیز مرسوم است که به نوعی، ارجاع به عرف و عادت یا رویه‌های شرکت‌های نفتی است^۵. در اغلب قراردادها معمولاً ترکیبی از این روش‌ها استفاده می‌شود؛ برای نمونه، در بند ۱ ماده ۴۱ قرارداد میدان رومیلا، ارجاع به مقررات داخلی توأم با تبعیت از رویه‌های مطلوب صنعت بین‌المللی نفت است^۶ یا آن‌گونه که در بند ۴ ماده ۲۶ قرارداد میدان شفیق آسیمان آمده، تبعیت از قوانین داخلی منوط به این است که از معیارهای بین‌المللی زیست‌محیطی سخت‌گیرانه‌تر نباشد.

نمود معاهدات بین‌المللی فراگیر در زمینه عملیات نفتی موجب شده اغلب قراردادهای نفتی تابع قوانین داخلی باشند و ضمن تفاوت در رژیم تقنینی زیست‌محیطی کشورهای مختلف، در بیشتر کشورهای نفتی قوانین پیشرفته‌ای در زمینه مسائل زیست‌محیطی وجود ندارد. بنابراین، در قراردادهای نفتی، گاهی طرفین توافق می‌کنند که پیمانکار ملزم به رعایت معیارها و دستورالعمل‌هایی باشد که از سوی مؤسسات و سازمان‌های ملی یا بین‌المللی وضع می‌شود یا به طور کلی شرط می‌شود که وی رویه مطلوب بین‌المللی را رعایت کند.

این سازمان‌ها به دلایلی چند، معیارها و دستورالعمل‌های مختلف را تنظیم می‌کنند:

1. Le Contrat de Recherche et de Partage de production D'Hydrocarbures portant sur Cayar Offshore profond, entre la République du Sénégal, La Société Petro-Tim Limited et La Société des Pétrole du Sénégal, 2012, Article 4(4).
2. Contract for Exploration and Production of Hydrocarbons at Morskoye Field, Atyrau Region, Within blocks XXIX-14-D (partially), E (partially); XXX-14-A (partially) and B (partially), Between the Ministry of Energy and Mineral Resources, and KoZhaN Ltd, 2002, Article 20(11).
3. Agreement on The Exploration, Development and Production Sharing for the Shafag-Asiman Offshore Block in the Azerbaijan Sector of the Caspian Sea, Between the State Oil Company of the Republic of Azerbaijan and BP Exploration of (Azerbaijan) Limited & Socar Oil Affiliate, 2010, Article 26(1).
4. Best practice
5. Le Contrat de Partage de Production, La République du Cameroun, (le contrat type), Article 21(1-2).
6. Technical Service Contract for The Rumaila Oil Field, Between South Oil Company of the Republic of Iraq and BP Iraq limited, CNPC International (Iraq) Limited & SOMO, 1997, Article 41(1).

نخست، در دهه‌های اخیر در پی فجایع زیست‌محیطی متعدد، نوعی تکلیف به حفاظت از محیط زیست ایجاد شده که سازمان‌های مختلف را نیز به ورود در این موضوعات متقاعد ساخته است.

دوم، تلاش‌های سازمان‌ها و گروه‌های طرفدار محیط زیست از یک‌سو و فشار افکار عمومی از سوی دیگر، موجب شده است که سازمان‌های بین‌المللی، به‌ویژه اتحادیه‌های صنعتی خود به وضع معیار اقدام کنند تا اعضای صنف در عملیات نفتی آن را رعایت نمایند. سوم، معمولاً اتحادیه‌های صنفی و شرکت‌های نفتی بین‌المللی سازوکار مبتنی بر خودکنترلی و خودتنظیمی^۱ را بر کنترل دولتی ترجیح می‌دهند و از این رو، پیش از آنکه در مسئولیت‌های زیست‌محیطی درگیر شوند، خود تدابیر لازم را به کار می‌بندند (Wawryk, 2002: 403). سازمان‌هایی که در سطح بین‌المللی و ملی، دستورالعمل‌ها و معیارهای مربوط به عملیات نفتی را وضع می‌کنند بسیارند، اما در این میان، تنها چند سازمان دارای اعتبار و نفوذ بین‌المللی قابل قبولی هستند. اتحادیه بین‌المللی تولیدکنندگان نفت و گاز^۲، انستیتوی نفت آمریکا^۳، برنامه محیط زیست ملل متحد^۴، سازمان استاندارد بین‌المللی^۵، اتحادیه بین‌المللی صیانت از طبیعت^۶، بانک جهانی^۷، شورای کسب‌وکار جهانی برای توسعه پایدار^۸، از این شمار هستند که به تنهایی یا در تعامل با یکدیگر به وضع این معیارها می‌پردازند. معیارهایی که تنظیم می‌شود، عمدتاً مربوط به سه حوزه است: ۱. الزامات مربوط به فرآورده‌ها و تجهیزات مثلاً ساخت مخازن زیرزمینی یا خطوط لوله؛ ۲. الزامات مربوط به انتشار آلاینده، دفع پسماند، تولید سموم، فلرینگ گاز همراه و ...؛ ۳. معیارهای مربوط به مدیریت زیست‌محیطی، مانند ارزیابی پیامد زیست‌محیطی^۹ و ارزیابی عملکرد زیست‌محیطی.^{۱۰}

انستیتو نفت آمریکا، گرچه مؤسسه‌ای ملی است، با توجه به نفوذ شرکت‌های نفتی آمریکایی، دارای اعتبار جهانی است و معیارهای زیست‌محیطی را در موضوعات گوناگون تنظیم می‌کند؛ از جمله: سند راهنمای زیست‌محیطی API در خصوص مدیریت ساحلی پسماند جامد در عملیات اکتشاف و تولید، اعلامیه API E3 تحت عنوان سند راهنمای زیست‌محیطی در خصوص رهاسازی چاه و رویه‌های چاه‌های غیرفعال در عملیات اکتشاف و تولید در

1. Self-regulatory
2. International Association of Oil and Gas Producers (IAOGP)
3. American Petroleum Institute (API)
4. United Nation Environment Program (UNEP)
5. International Standard Organization (ISO)
6. International Union for Conservation of Nature (IUCN)
7. World Bank
8. World Business Council for Sustainable Development (WBCSD)
9. Environmental Impact Assessment (EIA)
10. Environmental Performance Evaluation (EPE)

ایالات متحده، اعلامیه API 75L با عنوان سند راهنما در زمینه توسعه سامانه مدیریت ایمنی و زیست‌محیطی برای عملیات تولید نفت و گاز طبیعی و فعالیت‌های مربوطه در ساحل (API (Recommended Practice, 2009: 3-4).

اتحادیه بین‌المللی تولیدکنندگان نفت و گاز، دیگر سازمانی است که در همکاری و تعامل با اتحادیه بین‌المللی صیانت از طبیعت و برنامه محیط زیست ملل متحد، دستورالعمل‌ها و راهنماهایی را در برخی امور، از جمله در خصوص عملیات نفتی در جنگل‌های بارانی گرمسیری، عملیات اکتشاف و تولید در حوزه‌های مانگرو، اکتشاف نفت در مناطق ساحلی قطبی و نیمه‌قطبی، مدیریت پسماند و برچیدن سایت‌های اکتشاف و تولید ساحلی تدوین کرده است (Wawryk, Ibid: 403).

سازمان استاندارد بین‌المللی، از دیگر سازمان‌های مؤثر است که سازمان‌های استاندارد ملی عضو آن هستند. این سازمان، معیارهایی را در موضوعاتی همچون مدیریت زیست‌محیطی، بازرسی زیست‌محیطی و ... منتشر کرده که اغلب اختیاری هستند. ISO 14000 در زمینه مدیریت زیست‌محیطی، ISO 14001 در مورد سامانه‌های مدیریت زیست‌محیطی (مشخصات و راهنمای استفاده)، ISO 14004 در خصوص نظام‌های مدیریت زیست‌محیطی (دستورالعمل‌های کلی راجع به اصول، نظامات و فنون پشتیبانی)، ISO 14010 دستورالعمل‌های بازرسی زیست‌محیطی (اصول کلی)، ISO 14011 دستورالعمل بازرسی زیست‌محیطی (شیوه‌های بازرسی، بازرسی EMS)، ISO 14012 دستورالعمل بازرسی محیطی (معیار صلاحیت بازرسان)، ISO 14031 مدیریت زیست‌محیطی (ارزیابی عملکرد زیست‌محیطی، دستورالعمل‌ها و گزارش فنی پیوست)، ISO/TR 14032 مدیریت زیست‌محیطی (ارزیابی عملکرد زیست‌محیطی)، مطالعات موردی نشان‌دهنده استفاده از ISO 14031 و ... (ISO Standards, 2015) (www.iso.org).

بانک جهانی نیز کتابچه‌ای با عنوان «پیشگیری و کاهش آلودگی» را در زمینه ایجاد خط‌مشی‌های مربوط به عملیات توسعه نفت و گاز در ساحل، با همکاری برخی سازمان‌ها در سال ۱۹۹۸ منتشر کرد (Pollution Prevention and Abatement handbook, 1998) (www.worldbank.org).

گفتنی است در قراردادهای نفتی، ارجاع به رویه مطلوب یا رویه‌های زیست‌محیطی قابل قبول بین‌المللی به نوعی برای پر کردن خلأ وجود معاهده‌ای فراگیر در سطح بین‌المللی و قوانین اغلب ناکارآمد کشورهای نفتی است که چنین ارجاعی نیز با توجه به تعدد معیارها و تغییرات سریعی که در آن‌ها روی می‌دهد، موضوع مهمی است که در نگارش قرارداد باید به آن توجه شود و به‌ویژه پیش‌بینی سازوکار به‌روزرسانی آن‌ها و شفافیت معیارها بسیار حیاتی

است. به هر حال، نقش تراضی و مذاکرات طرفین در تعیین ضوابط زیست‌محیطی اهمیت می‌یابد و حسب اینکه، در کشوری حفاظت محیط زیست اولویت باشد یا نه، نهادهای مربوطه کارآمد باشند یا منفعل، سختگیری بیشتر یا کمتری اعمال می‌شود.

۲.۱. الزام ناشی از ضوابط زیست‌محیطی حاکم بر قرارداد نفتی و آثار تبعیت یا تخلف از آنها

معیارها و ضوابط زیست‌محیطی مؤسسات و سازمان‌های ملی یا بین‌المللی، اغلب جزء حقوق نرم^۱ به شمار می‌روند که فی‌نفسه الزام‌آور نیستند. با وجود این، در جایی که این معیارها و ضوابط در قرارداد درج می‌شوند، یا در مورد قوانین زیست‌محیطی دولت میزبان که اغلب جزء قواعد آمره شمرده می‌شوند، جنبه الزامی می‌یابند که نقض آن می‌تواند باعث ایجاد مسئولیت قراردادی، مدنی یا کیفری شود. در جایی نیز که معیارها و ضوابط زیست‌محیطی به رویه‌ای مرسوم در صنعت نفت بین‌المللی تبدیل شده باشد، جزئی از عرف و عادت صنعت است که الزام‌آور شمرده می‌شود. به هر حال، اغلب شرکت‌های نفتی بین‌المللی می‌کوشند به جهت پرهیز از مسئولیت، معیارهای زیست‌محیطی را حتی اگر الزامی نباشد، به صورت اختیاری اجرا کنند (Vinogradov, 2007: 519-520).

بی‌گمان نقض ضوابط زیست‌محیطی قرارداد، مسئولیت‌آور است؛ چنانکه اگر پیمانکار مقررات زیست‌محیطی دولت میزبان یا مقررات بین‌المللی تعیین‌شده را رعایت نکند، این امر از مصادیق تقصیر و نقض تکلیف «مراقبت متعارف»^۲ تلقی شده و باعث مسئولیت مدنی و کیفری می‌شود. البته در مواردی نیز که نقض مقررات اتحادیه صنفی تلقی گردد، باعث مسئولیت صنفی هم می‌شود. اکنون پرسش این است که آیا تبعیت از دستورالعمل‌ها و معیارهای اختیاری سازمان‌های مختلف، به منزله تبعیت از مقررات دولت میزبان و جایگزین آن شمرده می‌شود یا خیر؟ بی‌گمان ملازمه‌ای بین تبعیت از معیارهای بین‌المللی، هر چند پیشرفته باشد و رعایت مقررات زیست‌محیطی میزبان وجود ندارد؛ زیرا مشخص نیست که نهادهای صلاحیت‌دار ملی چنین معیارهایی را تأیید کنند. با وجود این، چنین تبعیتی چندان هم بی‌اثر نیست و می‌تواند در برخی موارد تحت عنوان دفاع «کوشش متعارف یا مقتضی»^۳، باعث کاهش مسئولیت شود؛ همچنان که در دعوایی که در دادگاه زمین و محیط زیست «ایالت نیو سوت ولز» استرالیا مطرح شد، دادگاه تبعیت خوانده از نظام مدیریت زیست‌محیطی را که بر اساس مقررات ISO 14001 طراحی و تأیید شده بود، در کاهش مسئولیت مؤثر دانست. در مواردی که این معیارها مصداق

1. Soft law
2. Duty to due care
3. Due diligence

رویه مطلوب شمرده شود، یا دولت‌ها تصویب طرح‌ها را منوط به تبعیت از چنین رویه‌ای نمایند یا مؤسسات مالی و اعتباری و بیمه‌ای اعطای تسهیلات و پوشش بیمه‌ای را منوط به رعایت رویه مطلوب صنعت نفت و گاز کنند، رعایت این معیارها می‌تواند دریافت چنین تأییدیه‌ها و تسهیلاتی را آسان کند (Ibid: 417, 418).

۳.۱. مشکلات مربوط به ضوابط و معیارهای زیست‌محیطی

با اینکه تعیین مقررات و دستورالعمل‌ها و ضوابط زیست‌محیطی در قرارداد نفتی امری گریزناپذیر است، چنین کاری با توجه به خلأ وجود معاهدات و نارسایی قوانین داخلی بسیار حساس است. تفاوت در دیدگاه کشورهای متعدد نسبت به مسائل زیست‌محیطی نیز بر این مسئله دامن می‌زند؛ چراکه مسائل زیست‌محیطی در کشورهای توسعه‌یافته امری حیاتی است؛ در حالی که در کشورهای در حال توسعه، اغلب امری حاشیه‌ای است و کمتر نگرانی‌های زیست‌محیطی وجود دارد.

در جایی که به رویه مطلوب صنعت بین‌المللی نفت و گاز استناد می‌شود، صرف نظر از ابهامی که در مرزهای آن وجود دارد، تفسیر مجری و مرجع حل اختلاف نیز می‌تواند آن را تحت تأثیر قرار دهد؛ چنانکه یک معیار سطح بالا و حداکثری تفاوت آشکاری با یک معیار حداقلی دارد و تعدد دستورالعمل‌ها و معیارهایی که از سوی سازمان‌های متعدد تنظیم می‌شود و به طور مکرر نیز دستخوش تغییر می‌گردد، نیز بر پیچیدگی موضوع خواهد افزود (Ibid: 419-420).

مسئله دیگر اینکه، اغلب ملاحظات اقتصادی پروژه چنان اهمیت می‌یابد که در بسیاری موارد خود دولت‌های نفتی ترجیح می‌دهند که ارزیابی‌ای زیست‌محیطی را در هنگام اجرای پروژه کنار گذارند یا به ارزیابی‌های سطحی بسنده کنند و تأییدیه نهادهای ذی‌ربط، بسان مانعی برای پیشبرد پروژه‌ها تلقی شود. درج ضوابط زیست‌محیطی در قرارداد باید بسان یک موضوع حیاتی نگریسته شود و ضوابطی اتخاذ گردد که ضمن داشتن شفافیت کامل، به طور مناسب و حداکثری محیط زیست را حفاظت کند. همچنین در قرارداد باید مسئله روزآمد کردن این ضوابط و سازوکار مناسب آن پیش‌بینی شود؛ زیرا با توجه به تغییر در رویکردهای توسعه‌ای و پیشرفت‌های فناوری، ممکن است رویه‌ای در زمان انعقاد قرارداد مطلوب و مؤثر باشد اما در طول اجرای پروژه کارایی خود را از دست بدهد.

۲. طرح‌ها و برنامه‌های عملیاتی زیست‌محیطی

دسته دوم شروط، طرح‌ها، برنامه‌ها و فرایندهایی است که یا باید توسط پیمانکار اجرایی شود یا در ساختار شرکتی که پیمانکار پروژه است، وجود داشته باشد این طرح‌ها و برنامه‌ها بسیار متنوع است و در قراردادهای مختلف می‌تواند به رغم ماهیت یکسان، عناوین متفاوتی داشته باشد. ارزیابی پیامد زیست‌محیطی، ارزیابی عملکرد زیست‌محیطی، سامانه مدیریت زیست‌محیطی، نظارت و بازرسی زیست‌محیطی، گزارش زیست‌محیطی، طرح اقدام جبرانی، طرح کاهش خسارت‌های زیست‌محیطی، طرح رهاسازی، طرح مدیریت پسماند و ... موضوعاتی هستند که اغلب در قراردادهای نفتی به آن اشاره می‌شود. در ادامه، برخی از این طرح‌ها و برنامه‌ها که اهمیت بیشتری دارند، بررسی می‌شود.

۱.۲. ارزیابی پیامد زیست‌محیطی

ارزیابی پیامد زیست‌محیطی^۱ که در بیشتر طرح‌های صنعتی و پروژه‌های نفتی رعایت می‌شود و امروزه جزء جدایی‌ناپذیر قراردادهای نفتی است^۲، فرایندی است که پیامدهای زیست‌محیطی قابل پیش‌بینی یک پروژه پیشنهادی، پیش از اجرای آن و در مرحله طراحی را ارزیابی می‌کند و با لحاظ کردن این پیامدها در گزارش ارزیابی پیامدهای زیست‌محیطی، به مقامات - صلاحیت‌دار ارائه می‌گردد تا در خصوص اجرای پروژه تصمیم‌گیری شود^۳. مطابق بند ۵ ماده ۴۱ قرارداد نفتی میدان رومیلای عراق، ارزیابی پیامد زیست‌محیطی دارای دو مرحله است: نخست، ارزیابی و بررسی وضعیت موجود ناحیه قراردادی که نوعی صورت‌برداری پیش از اجرای پروژه است؛

دوم، بررسی می‌شود که اجرای پروژه، چه آثاری در ناحیه قراردادی برجای می‌گذارد و چه راهکارهایی برای جلوگیری و کاهش این پیامدهای زیان‌بار وجود دارد. ارزیابی پیامد زیست‌محیطی معمولاً به همراه طرح توسعه میدان انجام می‌شود؛ چنانکه به موجب بند ۵ ماده

1. Environmental Impacts Assessment (EIA)

2. Technical Service Contract for The Rumaila Oil Field, 1997, Article 41(5)_ Agreement on The Exploration, Development and Production Sharing for the Shafag-Asiman Offshore Block, 2010, Article 4(6)_ Contract for Exploration and Production of Hydrocarbons at Morskoye Field, 2002, Article 20(3)_ Le Contrat de Partage de Production, La République du Cameroun, Article 21(1-2)_ Le Contrat de Recherche et de Partage de production D'Hydrocarbures portant sur Cayar Offshore profond, 2012, Article 9(5)_ Le Contrat de Partage de Production portant sur le Bloc V du Graben Albertine, entre la République Démocratique du Congo et L'association: Dominion Petroleum Congo, SOCO Exploration-Production RDC et La Congolaise des Hydrocarbures, 2007, Article 6(4).

3. <http://www.epa.ie/monitoringassessment/assessment/eia/>.

۹ یکی از قراردادهای نفتی دولت سنگال، طرح توسعه و شروع بهره‌برداری از مخزن تجاری باید مشتمل بر ارزیابی پیامد زیست‌محیطی باشد.^۱

ارزیابی پیامد زیست‌محیطی دارای ده عنصر است که عبارت‌اند از: ۱. غربالگری^۲، بدین معنا که طرح‌های دارای پیامدهای زیست‌محیطی عمده از طرح‌های دارای پیامدهای زیست‌محیطی حداقلی جدا شوند؛ ۲. تعیین قلمرو^۳، ناظر به موضوعات و مسائلی است که در ارزیابی باید به آن توجه شود، تا موضوعات و مسائل مهم شناسایی گردد؛ ۳. جایگزین‌ها^۴، بدین معنا که جایگزین‌های اجرای طرح پیشنهادی که آثار کمتری را به بار خواهند آورد، شناسایی و ارزیابی شود. یکی از جایگزین‌ها ممکن است اجرانشدن پروژه باشد؛ ۴. مطالعه زیست‌محیطی پایه^۵، یعنی بررسی وضعیت زیست‌محیطی ناحیه قراردادی پیش از شروع عملیات و توصیف آن؛ ۵. پیش‌بینی پیامد^۶، که آثار بالقوه مهم اجرای پروژه بر ناحیه قراردادی پیش‌بینی گردد؛ ۶. اقدامات مرتبط با تقلیل^۷، یعنی اقدامات و تدابیری که می‌تواند در کاهش پیامدهای احتمالی مؤثر باشد، شناسایی و ارزیابی گردد؛ ۷. اعلانیه زیست‌محیطی^۸، در حقیقت بیانیه‌ای است که از سوی مجریان پروژه خطاب به نهادهای مسئول کارفرما صادر می‌شود و مشتمل بر شش مورد پیشین است؛ ۸. مشارکت عمومی و بازننگری در اعلانیه پیامد زیست‌محیطی؛ ۹. تصمیم‌گیری^۹، یعنی نهاد تصمیم‌گیرنده با لحاظ تمامی جوانب پیش‌گفته، تصمیم بگیرد که آیا پروژه اجرا گردد یا خیر و در صورت اجرا، چه الزاماتی در عملیات ملحوظ گردد؛ ۱۰. تحلیل پس از پروژه^{۱۰}، که مشتمل بر نظارت و بازرسی پروژه است (Wawryk, Ibid: 404-405).

۱. «ارزیابی پیامد زیست‌محیطی که هر گونه آثار ناشی از عملیات موضوع پروژه بر محیط زیست، شرایطی که به موجب آن نگرانی‌های زیست‌محیطی برطرف می‌شود و ... را نشان دهد».

2. Screening
3. Scoping
4. Alternatives
5. Baseline Environmental Study
6. Impact prediction
7. Mitigation measures
8. Environmental Impact Statement (EIS)
9. Decision
10. Post project analysis

ارزیابی پیامد زیست‌محیطی پروژه، امروزه در حال استحاله به یک الزام است^۱؛ چنانکه در بیشتر قوانین داخلی^۲، مقررات بین‌المللی، دستورالعمل‌های سازمان‌های گوناگون و بسیاری از اسناد بین‌المللی به آن اشاره شده است^۳ و شرط لازم برای تصویب طرح‌های صنعتی و عمرانی توسط نهادهای دولتی و لازمه اعطای تسهیلات مالی و پوشش بیمه‌ای توسط مؤسسات مالی و اعتباری و بیمه‌ای است. در اصل ۱۷ اعلامیه ریو (۱۹۹۲)، جزء a بند ۱ ماده ۱۴ کنوانسیون ملل متحد در خصوص تنوع زیستی (۱۹۹۲)، بند f ماده ۴ کنوانسیون چهارچوب ملل متحد در خصوص تغییرات آب و هوایی (۱۹۹۲)، به ارزیابی پیامد زیست‌محیطی اشاره شده است. IAOGP، در اصول مربوط به ارزیابی پیامد زیست‌محیطی و اجتماعی (۱۹۹۷)، ارزیابی پیامد زیست‌محیطی را جزء جدایی‌ناپذیر مدیریت و مهندسی پروژه اعلام کرده است. همچنین در اصل ۵ منشور کسب‌وکار برای توسعه پایدار اتاق بازرگانی بین‌المللی (۱۹۹۱) تحت عنوان «ارزیابی پیشینی»^۴ بر انجام ارزیابی پیامد زیست‌محیطی در سرتاسر دوره پروژه تأکید شده است.

به هر حال، اگر ارزیابی پیامد زیست‌محیطی به درستی انجام شود و آمیخته با ملاحظه‌کاری‌های اقتصادی نباشد و در عمل به فرایندی تشریفاتی که بی‌گمان منجر به تأیید تمامی طرح‌ها به هر صورتی که باشد، نینجامد، می‌تواند در حفاظت محیط زیست مؤثر باشد (Tienhaara, 2011(a): 17). در بررسی انجام‌شده از سوی بانک جهانی در مورد شماری از کشورهای نفتی در حال توسعه، مشخص شده است که هرچند این کشورها حسب ظاهر

۱. گفتنی است که ارزیابی پیامد اجتماعی (Social Impact Assessment) مفهوم دیگری است که به بررسی پیامدهای اجتماعی و فرهنگی ناشی از اجرای پروژه بر جوامع و فرهنگ‌های موجود در ناحیه قراردادی می‌پردازد که به آن SIA گویند. گاهی مجموعه‌ای از ارزیابی‌ها که شامل ارزیابی‌های زیست‌محیطی، اجتماعی، ایمنی و بهداشت (Environmental, Social, Safety, Security, Healthy Impact Assessment) که به اختصار ESHIA نامیده می‌شود، در قراردادها شرط می‌شود. بند ح ماده ۳ مصوبه مورخ ۱۳۹۵/۵/۱۶ هیأت وزیران در خصوص «شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز» صراحتاً ارزیابی نوع اخیر را بیان کرده است که باید در قراردادهای بالادستی لحاظ گردد.

۲. مطابق مقررات کنونی ایران، ارزیابی پیامدهای زیست‌محیطی در اغلب پروژه‌های بالادستی و پایین‌دستی نفت و گاز، امری الزامی است که باید پیش از اجرای پروژه به آن توجه شود (زین‌الدین و شاهمرادی، ۱۳۹۴: ۲۲۴-۲۲۵).

۳. در اتحادیه اروپا حسب دستورالعمل‌هایی که پارلمان و شورای اروپا وضع کرده، ارزیابی پیامدهای زیست‌محیطی در مورد طرح‌ها و برنامه‌هایی که دارای آثار زیست‌محیطی مهم است، الزامی بوده و مقامات صلاحیت‌دار ملی باید از آن تبعیت کنند. این دستورالعمل‌ها فهرست‌هایی از طرح‌ها و پروژه‌ها را تعیین کرده که در مورد برخی ارزیابی پیامدهای زیست‌محیطی الزامی است و در مورد برخی دیگر، ارزیابی پیامدهای زیست‌محیطی بسته به تشخیص دولت‌های عضو است؛ ر.ک:

Environmental Assessment of Projects and Plans and Program, Rulings of the Court of Justice of the European Union, 2017, Available at: http://ec.europa.eu/environment/eia/pdf/EIA_rulings_web.pdf.

4. Prior assessment

دارای نهادهای زیست محیطی هستند که در مرحله تصویب ارزیابی پیامدهای زیست محیطی ایفای نقش می کنند، چنین تأییداتی روشی نظام مند و کارآمد ندارند و فرایند نظارتی و امکان اطلاع عمومی از این فرایندها نامناسب است (Mayorga Alba, 2010: 15).

۲.۲. نظام های مدیریت زیست محیطی

از دیگر طرح هایی که به تازگی مورد توجه قرار گرفته، سامانه های مدیریت زیست محیطی^۱ است که مرتبط با ساختار شرکت نفتی است. سامانه های مدیریت زیست محیطی قواعد ساختاری هستند که کمک می کنند به واسطه اعمال آنها، مدیران بتوانند از تخلفات زیست محیطی پیشگیری و چنین تخلفاتی را شناسایی کنند. به سخن دیگر، ساختار مدیریتی ایجاد می شود که ضمن تبعیت از الزامات قانونی، فعالیت شرکت را از بُعد زیست محیطی کنترل می کند (Wawryk, Ibid: 408). در یکی از قراردادهای نفتی آمده: «*پیمانکار باید یک سیستم مدیریتی یکپارچه را که تمامی ابعاد بهداشتی، ایمنی و زیست محیطی فعالیت هایی را که در ارتباط با عملیات نفتی انجام می شود، دربر داشته باشد ... به کار بندد*». همچنین پیمانکار باید راهبرد حفاظت زیست محیطی پیشرفته ای داشته باشد که در چهارچوب آن سیستم مدیریت یکپارچه زیست محیطی به عنوان بخش جدایی ناپذیر از عملیات نفتی مطابق با معیارهای زیست محیطی مستقر شود^۲. مطابق با معیارهای ISO 14001 در خصوص سامانه های مدیریت زیست محیطی که پیش تر به آن اشاره شد و مبنای دستورالعمل های سازمان های دیگری همچون IAOGP و API نیز هست، سامانه مدیریت زیست محیطی دارای چند رکن است: سیاست یا راهبرد زیست محیطی که همان اهداف زیست محیطی شرکت است، برنامه ریزی که به معنای رویکردی نظام مند برای شناسایی ابعاد زیست محیطی فعالیت ها و الزامات قانونی است و در حقیقت به دنبال تفصیل راهبردهاست، پیاده سازی و اجرا بدین معنا که مسئولیت ها به کارکنان انتقال یابد و سیری سلسله مراتبی از نظر انتقال آموزش ها و مسئولیت ها وجود داشته باشد، بازرسی، اصلاح و بازنگری که متضمن نظارت بر عملیات، اصلاح ایرادات ساختاری و بازنگری در سیستم است (ISO Standards, Ibid).

در خصوص استقرار سامانه مدیریت زیست محیطی مطابق با معیارهای ISO، مسئله مطرح این است که بسیاری از شرکت ها، گواهینامه ای مبنی بر استقرار سامانه مذکور را از این سازمان دریافت می کنند و ممکن است این تصور ایجاد شود که چنین گواهینامه ای دال بر کیفیت فرآورده ها یا تطبیق عملیات با الزامات قانونی است. باید توجه داشت چنین گواهینامه ای به

1. Environmental Management Systems (EMS)
2. Agreement on The Exploration, Development and Production Sharing for the Shafag-Asiman Offshore Block, 2010, Article 26(2-5).

معنای تبعیت از الزامات قانونی نیست و کیفیت فرآورده‌ها را تأیید نمی‌کند. تنها چیزی که این گواهینامه اثبات می‌کند، این است که شرکت دارای یک سامانه مدیریت زیست‌محیطی است که مطابق استاندارد ISO 14001 طراحی شده است که البته اساس دریافت این گواهینامه مبتنی بر خوداظهاری است، نه احراز واقع (Wawryk, Ibid: 409-410).

۳.۲. ارزیابی عملکرد زیست‌محیطی

ارزیابی عملکرد زیست‌محیطی^۱، فرایندی است که به منظور ارزیابی عملکرد جاری زیست‌محیطی شرکت در خصوص تطابق با الزامات تنظیمی قانونی انجام می‌شود؛ برای مثال، ارزیابی می‌شود که عملکرد شرکت از جهت انتشار آلاینده‌ها چه میزان است و آیا حدود مجاز قانونی رعایت شده است یا خیر؟ ISO دو معیار را در این باره منتشر کرده است که به آن اشاره شد (ISO Standards, Ibid). تفاوت ارزیابی پیامد زیست‌محیطی و ارزیابی عملکرد زیست‌محیطی این است که مورد نخست مربوط به مرحله امکان‌سنجی و پیش از اجرای پروژه است؛ در حالی که دومی، مربوط به طول اجرای پروژه و پس از اتمام آن است.

۴.۲. نظارت زیست‌محیطی

نظارت زیست‌محیطی^۲، مفهوم دیگری است که در قراردادهای نفتی بسیار بر آن تأکید می‌شود. در یکی از قراردادهای نفتی دولت قزاقستان مقرر شده است: «*پیمانکار باید به منظور ارزیابی پیامدهای ناشی از فعالیت‌های قراردادی‌اش بر زیر زمین و محیط زیست اعمال نظارت نماید و تدابیر مقتضی را جهت رفع چنین پیامدهایی اتخاذ نماید. اطلاعات و گزارش‌های حاصل از نظارت باید در اختیار نهادهای خاص ذی‌صلاح مسئول حفاظت محیط زیست قرار داده شود*».^۳

نظارت زیست‌محیطی مسئله مهمی است که در راستای حفاظت از محیط زیست و اجرای مناسب سایر طرح‌ها می‌تواند مؤثر باشد؛ برای نمونه، اینکه EIA تا چه میزان به درستی اجرا می‌شود یا تجهیزات پیمانکار از جهت تولید آلاینده و ... چه وضعیتی دارند، مستلزم نظارت مناسب در طول دوره اجرای پروژه است.

1. Environmental Performance Evaluation (EPE)

2. Environmental Monitoring

3. Contract for Exploration and Production of Hydrocarbons at Morskoye Field, 2002, Article 2 (4).

۲.۵. بازرسی زیست‌محیطی

بازرسی زیست‌محیطی^۱ به معنای سنجش تطابق عملکرد زیست‌محیطی شرکت با الزامات، اهداف و خط‌مشی‌های قانونی و عملکرد مدیریتی شرکت با سامانه مدیریت زیست‌محیطی شرکت است و به نوعی جنبه اسنادی دارد. چنین بازرسی می‌تواند به صورت درون‌سازمانی^۲ یا توسط ثالث انجام شود که نوع اخیر با توجه به استقلال بیشتری که دارد، مطلوب‌تر است. در سند راهنمای ارشادی که توسط اداره امور زیست‌محیطی و گردشگری آفریقای جنوبی صادر شده است، بازرسی زیست‌محیطی دارای ابعاد مختلفی است که تقریباً تمامی جوانب پروژه را دربر می‌گیرد (DEAT, 2004: 5-9).

مسئله بازرسی زیست‌محیطی معمولاً در قرارداد نفتی پیش‌بینی می‌شود؛ چنانکه در بند ۴ ماده ۶ یکی از قراردادهای دولت کنگو، بازرسی زیست‌محیطی سالیانه به هزینه پیمانکار پیش‌بینی شده است^۳، یا در یکی از قراردادهای دولت چین پیش‌بینی شده است، هر زمانی که مقامات صلاحیت‌دار مقتضی بدانند، می‌توانند بازرسی را برای تحقیق به کارگاه اعزام کنند و پیمانکار یا اپراتور مکلف است تمامی لوازم بازرسی را فراهم آورد.^۴

۲.۶. گزارش زیست‌محیطی

شرکت‌های نفتی به علت عملکرد نامناسب خود در چند دهه گذشته همواره در مظان اتهام تخریب محیط زیست بوده‌اند و از سوی افکار عمومی، سازمان‌ها و گروه‌های زیست‌محیطی و مقامات عمومی زیر فشار قرار گرفته‌اند. گزارش زیست‌محیطی^۵ می‌تواند به نوعی پاسخگویی چنین فشاری باشد و باعث شفاف‌سازی عملکرد زیست‌محیطی شرکت‌های نفتی شود. مطابق جزء ۲۱ بند ۲ ماده ۷ قرارداد میدان مورتسکوی قزاقستان: «پیش‌بینی اثرات اکولوژیکی بلندمدت فعالیت‌ها به موجب قرارداد به عمل می‌آید. پیمانکار باید پیش‌بینی‌ها و گزارشات مشروح اثرات اکولوژیکی بلندمدت را، به عنوان اقداماتی که توسط وی، به منظور به حداقل‌رسانی اثرات منفی اکولوژیکی درازمدت ناشی از عملیات قراردادی اتخاذ می‌گردد را به مرجع ذی‌صلاح و سازمان‌های زیست‌محیطی دولتی، مبتنی بر تقاضای کتبی آن‌ها، در زمانی که بیشتر از دو سال از آغاز شروع عملیات قراردادی نباشد، ارائه کند».

1. Environmental Auditing

2. In-house

3. Le Contrat de Partage de Production portant sur le Bloc V du Graben Albertine, entre la République Démocratique du Congo et L'association: Dominion Petroleum Congo, SOCO Exploration- Production RDC et La Congolaise des Hydrocarbures, 2007.

4. Petroleum Contract for Contract Area 33/07 in the East China Sea, 2012, Article 24(2).

5. Environmental Reporting

گفتنی است گرچه در قراردادهای نفتی، معمولاً ارائه گزارش‌های زیست‌محیطی شرط می‌شود، امروزه بیشتر شرکت‌های بزرگ و معتبر نفتی، آن را به صورت داوطلبانه ارائه می‌دهند. این رویکرد از سوی بسیاری از سازمان‌ها، به‌ویژه IAOGP و API تشویق شده است. کمیسیون اروپا نیز تحت عنوان طرح EMAS، شرکت‌ها را تشویق کرده است که ضمن تکمیل اظهارنامه‌ای که توسط ممیز زیست‌محیطی معتبری تأیید می‌شود، گزارش عملکرد زیست‌محیطی خود را در اختیار عموم قرار دهند (Wawryk, Ibid: 414-415).

۳. شروط مربوط به مدیریت زیست‌محیطی پروژه

هر اندازه هم که عملیات نفتی همراه با احتیاط باشد، بر حسب طبیعت، آلودگی‌هایی را ایجاد می‌کند؛ برای مثال، حفر چاه‌ها به ایجاد آلاینده‌های مرتبط با سیال حفاری می‌انجامد، فلر کردن گازهای همراه در مخازن غیر اشباع منجر به آلودگی هوا می‌شود و نشت نفت از لوله‌ها و مخازن باعث آلودگی خاک، آب و ... می‌شود، حفاری در دریا نیز باعث ایجاد خطراتی برای آبیان و محیط دریایی می‌گردد. مدیریت زیست‌محیطی پروژه به معنای انجام اقدامات و اتخاذ تدابیری است که به پیشگیری از آلودگی و در صورت بروز آن، کاهش آثار آن و کوشش در جهت پاک‌سازی و احیای محیط زیست می‌انجامد. مطابق جزء پ بند ۲ ماده ۴ قرارداد نفتی میدان کایار سنگال، یکی از تعهدات پیمانکار، تأمین حفاظت از محیط زیست، پیشگیری از حوادث و محدودسازی نتایج آن و به طور خاص جلوگیری از آلودگی محیط زیست و کنترل آن و در صورت امکان، احیای سایت‌هاست^۱. در ادامه، نخست تکلیف کلی پیمانکار در خصوص حفاظت از محیط زیست و سپس مجموعه اقداماتی که باید توسط وی انجام شود، بررسی می‌گردد.

۳.۱. تعهد پیمانکار مبنی بر حفاظت از محیط زیست

مطابق بند ۱ ماده ۴۱ قرارداد میدان رومیلا: «جهت اجرای این قرارداد، اپراتور باید عملیات نفتی را با توجه مناسب به حفاظت از محیط زیست و صیانت از منابع طبیعی انجام دهد، و به طور خاص: الف) بهترین رویه‌های صنعت بین‌المللی نفت در مورد اداره عملیات نفتی و نظارت بر آن را بپذیرد و مراتب ضروری و مناسب را نسبت به: ۱) پیشگیری از خسارت زیست‌محیطی و در صورت وقوع خسارت زیست‌محیطی، به حداقل‌رسانی آن و آثار جانبی آن بر روی اموال و انسان‌ها را اتخاذ نماید...». آنچه در اینجا استنباط می‌شود تکلیف و تعهدی

1. Le Contrat de Recherche et de Partage de production D'Hydrocarbures portant sur Cayar Offshore profond, 2012.

کلی است؛ یعنی پیمانکار متعهد به حفظ محیط زیست است. در یکی از قراردادهای دولت موریتانی مقرر شده: «پیمانکار باید ... در حین عملیات نفتی، تمامی تدابیر لازم به منظور حفاظت از محیط زیست را مطابق با اصل احتیاطی^۱ به عمل آورد».^۲

تعیین ماهیت تکلیف پیمانکار قابل تأمل است. به نظر می‌رسد تعهد پیمانکار، تعهد به وسیله باشد، نه نتیجه؛ زیرا چنانکه در باب مسئولیت مدنی پیمانکار گفته خواهد شد، گرچه تمامی خسارت‌های زیست محیطی توسط پیمانکار پرداخت می‌شود، در تحلیل نهایی جز در برخی موارد، تمامی این خسارت‌ها در قالب هزینه‌های قابل جبران بر پروژه تحمیل می‌شود. در این باره، بند ۲ ماده ۲۶ قرارداد میدان شفیق آسیمان دولت آذربایجان چنین مقرر کرده: «پیمانکار باید عملیات نفتی را در مشی سخت‌کوشانه، ایمن و کارآمد مطابق با استانداردهای زیست محیطی انجام دهد و تمامی اقدامات متعارف را مطابق با استانداردهای زیست محیطی، به منظور به حداقل رسانی هرگونه تعرض بالقوه به محیط زیست عمومی... انجام دهد». از این بند استنباط می‌شود که تعهد پیمانکار به وسیله است و باید تمامی اقدامات متعارف را انجام دهد؛ اما بیش از آنکه به توان وی توجه شود، به معیارهای زیست محیطی توجه می‌شود. بنابراین، می‌توان گفت نقش معیارها و رویه‌های زیست محیطی بسیار تعیین‌کننده است و به نوعی معیار عینی و نوعی است تا شخصی.

۳.۲. اقدامات مقتضی در شرایط اضطراری

یکی از موضوعات ضروری قراردادهای نفتی، رویارویی با شرایط اضطراری است؛ چراکه همواره امکان فوران چاه‌های نفت، انفجار آن، نشست نفت و حوادثی از این دست وجود دارد. از ابعاد مهم مدیریت زیست محیطی پروژه، شیوه برخورد با چنین وقایع ناگهانی است و باید در قرارداد به تفصیل بیان شود. عمده بحث در خصوص طرح‌های مربوط به شرایط اضطراری و اقداماتی است که باید در راستای اجرای این طرح‌ها انجام شود.

در مورد طرح رویارویی با شرایط اضطراری در بند ۱۱ ماده ۴۱ قرارداد میدان رومیلا چنین آمده است که: «پراتور با همکاری پیمانکار، باید پیش از انجام هرگونه فعالیت حفاری، طرح‌های احتمالی مواجهه با نشست نفت خام، فوران، آتش‌سوزی، حوادث و وضعیت‌های اضطراری را که برای نیل به واکنش سریع و مؤثر طراحی شده باشد، آماده و برای بازبینی

۱. اصل احتیاطی (The principle of precaution)، از اصول زیست محیطی در حقوق بین‌الملل است که به موجب آن، در مواردی که خطر بروز خسارت‌های زیست محیطی جدی وجود دارد، دولت‌ها نباید به بهانه نبود دلایل علمی قطعی از اتخاذ تدابیر لازم و مقتضی خودداری کنند (موسوی و شیرمردی دزکی، ۱۳۹۶: ۹۶).

2. Le Contrat de Partage de Production, portant sur les Blocs Ta(14-36-37) dans le bassin de Taoudenni, 2006, Article 6(4(1)).

به شرکت نفت جنوب عراق ارائه نماید. طرح‌های فوق باید با شرکت نفت جنوب عراق مطرح شود و ملاحظات ذیل در آن لحاظ گردد: الف) در صورت بروز یک وضعیت اضطراری، حادثه، نشت نفت یا آتش‌سوزی ناشی از عملیات نفتی که محیط زیست را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اپراتور باید بلافاصله شرکت نفت جنوب عراق و پیمانکار را مطلع نماید و فوراً طرح احتمالی مربوطه را اجرا نماید و احیای سایت را به گونه‌ای که مطابق با رویه‌های مطلوب صنعت بین‌المللی نفت لازم باشد، اجرا نماید؛ ب) در صورت بروز هرگونه وضعیت اضطراری یا حادثه دیگر ناشی از عملیات نفتی که محیط زیست را تحت تأثیر قرار دهد، اپراتور با مشورت پیمانکار باید چنان اقدامی را که ممکن است مطابق با رویه‌های مطلوب صنعت بین‌المللی نفت محتاطانه و ضروری باشد، اتخاذ نماید.^۱

همانند این مطلب، در بند ۳ ماده ۲۶ قرارداد میدان شفق آسیمان دولت آذربایجان نیز درج شده است. اصل اطلاع‌رسانی شرایط اضطراری و مشاوره با دولت میزبان، به نوعی در اصول ۱۸ و ۱۹ اعلامیه ریو (۱۹۹۲) هم آمده است. البته در اینجا بحث بر سر وضعیت اضطراری است که در قلمرو یک کشور رخ می‌دهد اما اعلامیه ریو مربوط به خسارت‌های زیست‌محیطی و تکالیف دولت‌های همسایه در برابر یکدیگر است (موسوی، ۱۳۸۵: ۴۴). معمولاً اختیار صرف هزینه‌های ضروری در شرایط اضطراری به پیمانکار و اپراتور داده می‌شود تا با صرف هزینه‌های لازم به صلاح‌دید خود، از بروز خسارت‌های زیست‌محیطی جلوگیری کند یا خسارت‌های وارده را کاهش دهد.^۱

بی‌توجهی به طرح‌های مقابله‌ای شرایط اضطراری، ممکن است فاجعه‌آفرین، و در مسئولیت عامل ورود زیان مؤثر باشد؛ برای نمونه، در حادثه خلیج مکزیکو، شرکت بریتیش پترولیوم فاقد طرح و برنامه‌ای متناسب با شرایط اضطراری بود؛ زیرا چندین ماه به طول انجامید تا این شرکت بتواند به حفر چاهی جبرانی اقدام کند و این امر باعث نشت مقادیر بیشتری از نفت در دریا شد. بنابراین، بسیار مهم است که امکان‌سنجی قابلیت اجرای چنین طرح‌هایی از پیش، توسط نهادهای زیست‌محیطی ارزیابی شود (Olawuyi, 2012: 13).

۳.۳. مدیریت پسماند، پاک‌سازی و احیا

آلودگی‌های ناشی از عملیات نفتی گریزناپذیر است و مدیریت پسماند و دفع ضایعات حاصل از عملیات نفتی، امری الزامی است. پسماندها و ضایعات باید به گونه‌ای دفع شوند که آلودگی کمتری را ایجاد کنند. معمولاً در قرارداد مقرراتی در خصوص طرح مدیریت پسماند پیش‌بینی

1. Le Contrat de Partage de Production, portant sur le Permis Kouilou, entre la République Démocratique du Congo et le Groupe Zetah, 1996, Article 3(5(c)).

می‌شود.^۱ عملیات احیا و پاک‌سازی^۲ نیز باید توسط پیمانکار انجام شود و معمولاً دو معیار برای آن وجود دارد: نخست آنکه، ناحیه قراردادی باید مطابق مطالعه پایه ارزیابی پیامد زیست‌محیطی که ناظر به وضع موجود پیش از اجرای عملیات است، مسترد شود؛ دوم آنکه، به گونه‌ای باشد که بتوان در آینده از ناحیه قراردادی استفاده کرد.^۳

قطع نظر از قرارداد، حقوق بین‌الملل محیط زیست نیز تکلیف پاک‌سازی و احیا را بر عهده پیمانکار قرار می‌دهد. به هر حال، هزینه‌های پاک‌سازی می‌تواند بسیار هنگفت باشد که اغلب، بسیاری از شرکت‌های نفتی از پرداخت آن ناتوان هستند (Olawuyi, 2012: 12).

۴. شروط مربوط به مسئولیت، جبران خسارت و بیمه

خسارت‌های زیست‌محیطی، ابعاد مهم انسانی و اقتصادی را در پی خواهد داشت و گاهی به تنش میان طرفین قرارداد و یا دولت‌های همسایه می‌انجامد.^۴ پروژه‌های نفتی موجود در خشکی، اغلب باعث آلودگی زمین‌های پیرامون می‌شود و پروژه‌های نفتی دریایی، آلودگی دریا و سواحل را در پی خواهد داشت. جدای از محیط طبیعی که بدین ترتیب آسیب می‌بیند، مردم محلی پیرامون سایت نیز متحمل خسارت‌های جسمی و مالی می‌شوند و زندگی آن‌ها پریشان می‌گردد.^۵ زنجیره دعاوی که حوادث مهم نفتی به دنبال داشته است، تأیید می‌کند که افزون بر نهادها و ارگان‌های حکومتی، صاحبان املاک و مشاغل حوزه تحت تأثیر آلودگی نیز اقدام به طرح دعاوی حقوقی و کیفری می‌کنند که طرح دعوی سی هزار نفر از صاحبان مشاغل و املاک علیه بریتیش پترولیوم در حادثه Deepwater Horizon، نشانه این است که در قراردادهای نفتی باید مسئله مسئولیت به طور جدی مورد توجه قرار گیرد و تمامی حواشی آن با دقت بیان شود (Olawuyi, 2012 : 7). در این قسمت به بررسی این امور خواهیم پرداخت.

1. Le Contrat de Partage de Production, La République du Cameroun, Article 21(1(1)).

2. Clean up and Restoration

3. Contract for Exploration and Production of Hydrocarbons at Morskoye Field, 2002, Article 20(9).

۴. در پی حادثه خلیج مکزیکو، تنش میان مکزیک و ایالات متحده بالا گرفت؛ زیرا آلودگی نفتی بر آب‌های مکزیک نیز اثر گذاشت. چنین آلودگی‌ای می‌تواند نقض بند ۲ ماده ۱۹۴ کنوانسیون حقوق دریاها باشد (Olawuyi, 2012 : 11).

۵. در مورد مردم ساکن در مناطق نفت‌خیز، معمولاً خسارت‌های زیست‌محیطی پروژه‌های نفتی نمود یکسانی ندارد؛ در حوادثی مانند نشت‌های نفتی که خسارت‌ها مشهود است، دعاوی مسئولیت آسان‌تر اثبات می‌شود. اما وقتی خسارت‌ها غیرمستقیم و نامشهود باشد، اثبات دشوارتر است؛ برای مثال، در دعوی که در ایالات متحده مطرح شد، مردم روستایی با استناد به افزایش انتشار گازهای گلخانه‌ای در پی فعالیت‌های شرکت‌های نفتی، از جمله شرکت آگرون موبیل، مدعی بودند که جاری شدن سیل در منطقه، ناشی از این فعالیت‌هاست؛ دادگاه در مرحله بدوی چنین ادعایی را نپذیرفت و در دادگاه تجدیدنظر نیز رأی بدوی تأیید شد (Native Village of Kivalina v. Exxonmobil Corp et al, No. 09-). (17490, 2009).

۱.۴. اصل مسئولیت مدنی ناشی از خسارت‌های زیست‌محیطی

خسارت‌های زیست‌محیطی، خواه فی‌نفسه به محیط زیست صدمه بزند یا به واسطه آن اشخاص را نیز متضرر سازد، ممکن است ناشی از تجهیزات پیمانکار یا اعمال کارکنان وی یا به طور کلی به علت عملیات نفتی باشد. اصل کلی این است که پیمانکار باید خسارت‌های وارده را جبران کند. در یک قرارداد نفتی آمده است: «پیمانکار باید در صورت وقوع هرگونه خسارتی که ممکن است عملیات نفتی ایجاد نماید یا خسارتی که ممکن است توسط مستخدمین یا کارکنان رسمی پیمانکار در حین یا به مناسبت عملیات مذکور به دولت یا هر شخصی وارد شود، غرامت پرداخت و خسارت را جبران نماید. دولت به هیچ وجه مسئول هیچ‌گونه خسارت، حادثه یا اختلاف مرتبط با عملیات نفتی نمی‌باشد». با وجود این اصل، مصونیت دولت میزبان مطلق نیست و ممکن است در قرارداد پیش‌بینی شود که چنانچه خسارت ناشی از اعمال دولت میزبان یا شرکتی ملی باشد، پیمانکار از مسئولیت مبری باشد. با وجود این، معمولاً پیش‌بینی می‌شود چنانچه هرگونه دعوایی علیه دولت یا شرکت دولتی مطرح گردد، خسارت‌های ناشی از آن بر عهده پیمانکار باشد و به نوعی، شرط ایجاد مصونیت^۱ به سود میزبان گنجانده می‌شود (Tienhaara, 2011(b): 15). به نظر می‌رسد اصل بالا بر یکی از اصول حقوق بین‌الملل محیط زیست با عنوان «اصل پرداخت خسارت توسط آلوده‌کننده»^۲ استوار باشد که به موجب آن، آلوده‌کننده محیط زیست باید تمامی خسارت‌های مربوطه را جبران کند. اصل ۱۶ اعلامیه ریو متضمن اصل مذکور است (موسوی، همان: ۴۴).

با وجود بدیهی بودن مسئولیت آلوده‌کننده، یکی از دشواری‌های مسئولیت مدنی در حوزه محیط زیست، ناتوانی مالی کافی عامل ورود زیان برای پرداخت غرامت‌ها و جریمه‌های مربوطه است. در حقیقت، فجایع زیست‌محیطی معمولاً میلیاردها دلار خسارت به بار می‌آورد که حتی بسیاری از شرکت‌های بزرگ نفتی نیز از پرداخت آن ناتوان‌اند. بنابراین، صرف تبیین و تعیین مسئول در قرارداد نفتی، ملازمه‌ای با حل معضلات ناشی از آلوده‌سازی محیط زیست نخواهد داشت و لازم است در کنار مسئولیت، از سایر نهادها، به‌ویژه بیمه، صندوق خسارات و ... نیز استفاده شود (Lonter Lev, 2016: 483-484).

دعوایی هم که معمولاً در پی حوادث زیست‌محیطی طرح می‌شوند، به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: نخست، دعوایی که در پی جبران خسارت‌های مادی و معنوی و اقتصادی وارده به اشخاص و اموال و مشاغل است که از سوی اشخاص طرح می‌شود؛ دوم، دعوایی

1. Le Contrat de Recherche et de Partage de production D'Hydrocarbures portant sur Cayar Offshore Profond, 2012, Article 4(5).

2. Indemnity

3. Polluter pays principle

که هدف آن جبران خسارت وارده به محیط زیست، پاک‌سازی و احیای آن است که از سوی دولت و مقامات و نهادهای دولتی طرح می‌شود و معمولاً افزون بر جبران خسارت، متضمن دریافت جریمه‌هایی از آلوده‌کننده است (Environmental Law Institute, 2014: 1-6).

۴.۲. مبنای مسئولیت زیست‌محیطی

مبنای مسئولیت به دنبال پاسخ به این پرسش است که مسئولیت پیمانکار مبتنی بر تقصیر است یا از نوع مسئولیت محض^۱ یا مطلق^۲ است؟ مطابق قاعده، مسئولیت ناشی از خسارت‌های زیست‌محیطی، مسئولیت بدون تقصیر است. در یک قرارداد حفاری مقرر شده: «پیمانکار نسبت به هرگونه ادعا، مجازات و همچنین خسارت ناشی از آلودگی زیست‌محیطی که به وسیله نشت سوخت، نفت و یا هرگونه عوامل شیمیایی دیگری که از واحد حفاری یا دیگر تجهیزات متعلق به پیمانکار ایجاد می‌گردد، مسئول می‌باشد»^۳. از این عبارت برمی‌آید که مسئولیت فرع بر تقصیر نیست و از نوع محض است و برخی از نویسندگان نیز مسئولیت را محض دانسته‌اند (Tienhaara, Op.cit). با وجود این، در یکی از قراردادهای نفتی دولت کامبوج که در سال ۲۰۰۲ منعقد شد، مسئولیت مبتنی بر تقصیر است (Ibid) و در جزء الف بند ۶ ماده ۲۶ قرارداد میدان شفق آسیمان دولت آذربایجان نیز این گونه است. به نظر می‌رسد مسئولیت مبتنی بر تقصیر در مورد اخیر مربوط به خسارت‌های وارد بر اشخاص ثالث باشد، نه اینکه فی‌نفسه مسئولیت زیست‌محیطی مبتنی بر تقصیر باشد.

به هر حال، تراضی طرفین تعیین‌کننده است و مسئولیت محض سازگاری بیشتری با حفاظت محیط زیست دارد^۴. در توجیه وضع مسئولیت محض می‌توان گفت با اهداف بازدارندگی، جبران خسارت و عدالت توزیعی بیشتر هم‌خوانی دارد. از جهت بازدارندگی مؤثرتر است؛ زیرا باعث می‌شود پیمانکار نتواند اثبات تقصیر را حاشیه امنی برای خود تلقی کند و از احتیاط‌های لازم کوتاهی کند. چنین وضعیتی پیمانکار را به سنجش اقتصادی بین اتخاذ تدابیری احتیاطی و هزینه‌های ناشی از مسئولیت وامی‌دارد و تدابیر احتیاطی را که معمولاً هزینه کمتری دارد، در اولویت قرار می‌دهد. از جهت جبران خسارت نیز مسئولیت محض

1. Strict liability

2. Absolute liability

3. Rilling Agreement, Between KoZhaN LLP and Precaspiburneft-Kazakhstan LLP, Contract No: Koz/Con/001/04, 2004, Article 9.

۴. گفتنی است که در کامن‌لا، مبانی متعددی برای طرح دعوی ناشی از خسارت‌های زیست‌محیطی استفاده شده است که هر یک دارای عناصر متفاوتی است که باید اثبات شود. نظریه‌هایی همچون آزار و اذیت (Nuisance)، بی‌احتیاطی (Negligence)، بی‌احتیاطی ذاتی (Negligence per se) و مسئولیت محض (Strict liability)، در دعوی متعددی مورد استناد قرار گرفته است (Keffner, 1994: 525-532).

کارآمدتر است؛ زیرا مانع اثبات تقصیر را از سر راه زیان‌دیدگان برمی‌دارد و آن‌ها آسان‌تر می‌توانند خسارت‌های خود را مطالبه کنند. از منظر عدالت توزیعی، مسئولیت محض این مزیت را دارد که شرکت‌های نفتی معمولاً هزینه‌های مسئولیت را بر فرآورده‌ها و محصولات خود توزیع می‌کنند و این باعث می‌شود سودبرندگان از فعالیت‌های نفتی، خسارت‌های ناشی از آن را بپذیرند (Lonter Lev, 2016: 485-487).

در فرض مسئولیت مبتنی بر تقصیر، تقصیرهای معمول و تقصیرهای فاحش^۱ یکسان نیستند. در زنجیره دعواهایی که علیه شرکت بریتیش پترولیوم و پیمانکاران آن^۲ در پی حادثه سکوی Deepwater Horizon طرح شد، دادگاه فدرال ایالات متحده، بی‌احتیاطی آشکار و سوء عملکرد عمدی این شرکت را محرز دانست؛ زیرا تصمیمات حیاتی این شرکت به جای اینکه مبتنی بر حفظ ایمنی باشد، بر اساس مصالح مالی و زمانی اتخاذ شده بود. اثر چنین امری افزوده شدن حدود هجده میلیارد دلار جریمه، علاوه بر خسارت‌ها و هزینه‌های پاک‌سازی بود. دادگاه در مقام توزیع مسئولیت بر حسب میزان تقصیر، سهم بریتیش پترولیوم را ۶۷ درصد، سهم ترانس اوشن را ۳۰ درصد و سهم هالیبرتون را ۳ درصد تعیین کرد. مجازات‌ها و خسارت‌های وارده با توجه به نسبت‌های پیش‌گفته، در هر بشکه نفتی که وارد دریا شده بود، تعیین گردید که حسب تشخیص دادگاه، چیزی حدود ۴/۲ میلیون بشکه نفت وارد دریا شده بود.^۳

۳.۴. دوره مسئولیت

دوره مسئولیت، دوره‌ای است که از آغاز تا پایان آن، مسئولیت خسارت‌های زیست‌محیطی با پیمانکار است. در بیشتر قراردادهای مبدأ این دوره از تاریخ اثرگذاری قرارداد^۴ است و در برخی قراردادهای هم مسئولیت به اندازه تمام دوره قرارداد است.^۵ بنابراین، پیمانکار هیچ‌گونه مسئولیتی خارج از دوره مذکور عهده‌دار نیست و گاهی در قراردادهای پیش‌بینی می‌شود که

1. Gross Negligence

۲. در این حادثه، صدها دعوی علیه شرکت بریتیش پترولیوم به عنوان پیمانکار اصلی، شرکت هالیبرتون (Halliburton) به عنوان پیمانکار سیمان‌کاری چاه‌ها، شرکت ترانس اوشن (Transocean) به عنوان مالک دکل حفاری و شرکت International به عنوان سازنده دستگاه پیشگیری از فوران (Blow-out Preventer) در آمریکا مطرح گردید.

3. United States of America v. BP E&P, et al., Civ. Action No. 2:10-cv- 04536.

4. Effective date

5. Agreement on The Exploration, Development and Production Sharing for the Shafag-Asiman Offshore Block, 2010, Article 4(6(b))_ Le Contrat de Partage de Production, La République du Cameroun, Article 21(3).

6. Contract for Exploration and Production of Hydrocarbons at Morskoye Field, 2002, Article 20(9).

کارفرما، پیمانکار را نسبت به هرگونه خسارتی که ممکن است پیش از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قرارداد به بار آمده باشد و خاستگاه طرح دعوا گردد، بری و مصون نماید.^۱

۴.۴. احتساب خسارت‌های زیست‌محیطی به عنوان هزینه‌های پروژه

پرسش مهم این است که آیا خسارت‌های زیست‌محیطی که پیمانکار می‌پردازد، جزء هزینه‌های قابل جبران شمرده می‌شود یا خیر؟ چنانکه گفته شد، پیمانکار باید تمامی خسارت‌های زیست‌محیطی مربوط به دوره مسئولیت خود را بپردازد. اما این مسئله باقی است که در تحلیل نهایی، خسارت‌ها باید بر پیمانکار تحمیل شود یا بر پروژه؟

در مورد خسارت‌های خارج از دوره مسئولیت پیمانکار، به عنوان نمونه خسارت‌هایی که پیش از تاریخ اثرگذاری قرارداد ایجاد شده، تردیدی نیست که حتی اگر قرارداد، پیمانکار را مسئول جبران آن بداند، هزینه‌های مربوطه بر پروژه تحمیل می‌شود؛ چنانکه در بند ۱۶ ماده ۴۱ قرارداد میدان رومیلا عراق، این خسارت‌ها جزء هزینه‌های تکمیلی^۲ تلقی شده است. در مورد خسارت‌هایی که در دوره مسئولیت پیمانکار ایجاد می‌گردد، در بیشتر قراردادهای نفتی، مطابق قاعده قابل بازپرداخت شمرده شده و بر پروژه تحمیل می‌گردد، مگر در مواردی که خسارت ناشی از تقصیر عمدی یا فاحش پیمانکار و مواردی از این دست باشد.^۳

۴.۵. بیمه

قراردادهای نفتی متضمن مقررات مفصلی درباره بیمه، به‌ویژه بیمه مسئولیت ناشی از خسارت‌های زیست‌محیطی هستند. مطابق بند ۶ ماده ۴ قرارداد نفتی میدان کایار سنگال: «پیمانکار باید تمامی بیمه‌نامه‌های معمول در صنعت بین‌المللی نفت را که در ارتباط با تعهدات و مسئولیت‌هایی هستند که وی عهده‌دار می‌باشد، امضا نماید و امضای پیمانکاران فرعی را هم اخذ نماید، به خصوص بیمه‌نامه‌های مسئولیت مرتبط با ... محیط زیست؛...». در بند ۲ ماده ۱۸ قرارداد میدان مورتسکوی قزاقستان تصریح شده است که بیمه در مسائل زیست‌محیطی شامل هزینه‌های رفع آلودگی، ترمیم و احیای محیط می‌شود.

به هر حال، در قرارداد باید مفاهیم مربوطه، از جمله آلودگی، خسارت زیست‌محیطی و مواردی از این دست و پوشش بیمه‌ای مورد نیاز به دقت بیان شود. وجود بیمه‌ای مناسب که

1. Petroleum Agreement Regarding The Exploration and Exploitation of Hydrocarbons in the Area of Interest Named "Cap Boujdour Offshore", 2011, Article 10(2).

2. Supplementary costs

3. Agreement on The Exploration, Development and Production Sharing for the Shafag-Asiman Offshore Block, 2010, Article 5(4), 26(6)_ Technical Service Contract for The Rumaila Oil Field, 1997, Article 41(15).

خسارت‌های زیست‌محیطی را به طور کامل پوشش دهد، امری است که در صورت بروز حوادث به خوبی وضع را به حال سابق بازمی‌گرداند. مزیت دیگر بیمه این است که چون بیمه‌گر باید خسارت‌های بالقوه را جبران کند، معمولاً الزامات و نظارت‌های سختگیرانه‌ای را بر پیمانکار اعمال می‌کند که خود می‌تواند بازدارنده باشد. از سوی دیگر، وجود بیمه و حاشیه امن ناشی از آن، می‌تواند بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی را در پیمانکار افزایش دهد. یکی دیگر از نارسایی‌های بیمه در پروژه‌های نفتی، به‌ویژه در برخورد با شرکت‌های نفتی بزرگ، استفاده از بیمه شرکت‌های تابعه است که معمولاً احتساب نکردن سهم بیمه بین دو شرکت و احتساب نکردن جریمه و افزایش سهم بیمه در صورت بروز حادثه و پرداخت خسارت، باعث ناکارآمدی در ابزارهای کنترلی بیمه‌گر می‌شود (Lonter Lev, 2016 : 490).

۶.۴. نهادهای جدید مرتبط با مسئولیت مدنی

منظور از نهادها، مفاهیم و سازوکارهای جدیدی است که در قراردادهای نفتی در زمینه مسئولیت زیست‌محیطی پیمانکار، به معنای اعم کلمه اندیشیده می‌شود و باعث ارتقای کیفیت حفاظت از محیط زیست می‌گردد. در یکی از قراردادهای نفتی، پیمانکار مکلف شده است مالیات انتشار^۱ بپردازد و به علت نقض مقررات زیست‌محیطی و استفاده نامعقول از زیر زمین و ایجاد آلودگی زیست‌محیطی جریمه پرداخت کند^۲. همچنین در قرارداد دیگری شرط شده است که پیمانکار در راستای اجرای طرح مدیریت زیست‌محیطی پروژه، باید سالیانه مبلغ سی هزار دلار بپردازد^۳. در قرارداد سال ۲۰۰۰ بلیز^۴، شرطی درج شده بود که مطابق آن، پیمانکار مکلف بود سالانه یک‌هزارم درصد از ارزش ناخالص تولید را در صندوقی که توسط دولت، به منظور جبران خسارت‌های زیست‌محیطی عملیات نفتی ایجاد و اداره می‌شد، پرداخت کند (Tienhaara, 2011(a) : 19).

طراحی و ایجاد سازوکارهایی که بتواند جبران خسارت‌های زیست‌محیطی را به خوبی فراهم سازد، امری حیاتی است. بروز چندین فاجعه زیست‌محیطی ناشی از عملیات نفتی، زنگ خطری برای بسیاری از کشورهای نفتی است که نسبت به ایجاد سازوکارهای جدید منفعل نباشند. بسیاری از شرکت‌های نفتی در عالم واقع توانایی مالی جبران خسارت‌های زیست‌محیطی را ندارند که ممکن است خطری بالقوه برای دولت‌های میزبان باشد. در حادثه

1. Emission tax

2. Contract for Exploration and Production of Hydrocarbons at Morskoye Field, 2002, Article 7(2(17)), 16(2(20)).

3. Le Contrat de Partage de Production portant sur le Bloc V du Graben Albertine, 2007, Article6(5).

4. Belize

خلیج مکزیکو، خسارت‌های وارده بیش از چهل میلیارد دلار برآورد شد که پرداخت آن برای شرکت بزرگی همچون بریتیش پترولیوم هم سنگین بود. وجود مسئولیت نیابتی^۱ و تضامنی میان پیمانکاران متعدد و پیمانکاران اصلی و فرعی و حتی میان پیمانکاران و تأمین‌کنندگان مالی پروژه‌ها می‌تواند بسیار کارساز باشد؛ زیرا باعث می‌شود پیمانکاران اصلی و تأمین‌کنندگان مالی الزامات زیست‌محیطی بالاتری را بر پیمانکاران فرعی و وام‌گیرندگان اعمال کنند و منابع مالی بیشتری نیز جهت جبران خسارت در دسترس قرار گیرد (Lonter Lev, 2016: 487-490). در بسیاری از کشورها، شرط ورود در پروژه‌های نفتی اثبات توانایی مالی برای پرداخت خسارت‌های احتمالی است؛ چنانکه در نروژ، انگلستان و دانمارک چنین است. با وجود این، در همین کشورها نیز معمولاً حداقل مبلغی که تعیین می‌شود، بسیار ناچیزتر از خسارت‌هایی است که در واقعیت محتمل است؛ برای نمونه، در ایالات متحده مبلغ ۳۵ میلیون دلار و در انگلستان ۲۵۰ میلیون دلار تعیین شده است که در بیشتر موارد کافی نخواهد بود (Ibid: 492).

نتیجه

امروزه حفاظت از محیط زیست از موضوعات مهم قابل طرح در قراردادهای نفتی است. برای حفاظت مؤثر از محیط زیست لازم است مقررات قانونی حاکم بر آن به طور شفاف تعیین و سازوکار به‌روزرسانی و ارتقای آن لحاظ شود. طرح‌هایی مانند ارزیابی پیامدهای زیست‌محیطی پیش از اجرای پروژه، ارزیابی عملکرد زیست‌محیطی پیمانکار در هنگام اجرای پروژه، وجود نظام مدیریت زیست‌محیطی در ساختار شرکت باید در قرارداد به دقت تبیین شود و نظارت‌ها و بازرسی‌های لازم و مستمر توسط نهادهای صلاحیت‌دار محیط زیستی در این باره انجام شود. مدیریت زیست‌محیطی پروژه و طرح‌های پیمانکار در رویارویی با شرایط اضطراری و حوادث زیست‌محیطی، باید به دقت ارزیابی و تحلیل شود؛ زیرا در مورد فجایع زیست‌محیطی که در دهه‌های اخیر رخ داده، ناکارآمدی چنین طرح‌هایی کاملاً به اثبات رسیده است و لازم است سازمان‌های زیست‌محیطی پیش از اجرای پروژه، امکان‌سنجی عملیاتی این طرح‌ها را احراز کنند. مسئله مسئولیت مدنی پیمانکار در برابر حوادث زیست‌محیطی، دوره آن و احتساب خسارت‌ها به عنوان هزینه نیز موضوع مهم دیگری است که در قرارداد باید به آن توجه شود. مسئولیت محض پیمانکار در این باره می‌تواند با اهداف زیست‌محیطی سازگارتر باشد. با توجه به ناتوانی مالی شرکت‌های نفتی در پرداخت خسارت‌های زیست‌محیطی، به‌ویژه در فرض امکان وقوع نشت‌های نفتی گسترده در دریا، لازم است موضوع بیمه مسئولیت ناشی از حوادث زیست‌محیطی، مسئولیت نیابتی و تضامنی پیمانکاران متعدد، پیمانکاران اصلی و

فرعی و پیمانکاران و تأمین‌کنندگان مالی، تعیین سازوکار ایجاد صندوق جبران خسارت‌های زیست‌محیطی و وضع مجازات‌های مالی نیز مورد توجه قرار گیرد.

منابع

الف) فارسی

۱. زین‌الدین، سید مصطفی؛ شاهمرادی، عصمت (۱۳۹۴). «بررسی تطبیقی ملاحظات زیست‌محیطی در قراردادهای بین‌المللی نفت». *دوفصلنامه مطالعات حقوق انرژی*، دوره ۱، شماره ۲، ص ۲۱۷ - ۲۳۵.
۲. موسوی، سید فضل‌الله (۱۳۸۵). *سیر تحولات منابع حقوق بین‌الملل محیط زیست*، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
۳. موسوی، سید فضل‌الله؛ شیرمردی دزکی، محمدرضا (۱۳۹۴). «تحلیل رویکرد زیست‌محیطی در قراردادهای نفتی». *دوفصلنامه مطالعات حقوق انرژی*، دوره ۱، شماره ۱، ص ۹۱ - ۱۱۶.

ب) خارجی

4. Agreement on The Exploration, Development and Production Sharing for the Shafag-Asiman Offshore Block in the Azerbaijan Sector of the Caspian Sea, Between the State Oil Company of the Republic of Azerbaijan and BP Exploration of (Azerbaijan) Limited & Socar Oil Affiliate, 2010.
5. Contract for Exploration and Production of Hydrocarbons at Morskoye Field, Atyrau Region, Within blocks XXIX-14-D (partially), E (partially); XXX-14-A (partially) and B (partially), Between the Ministry of Energy and Mineral Resources, and KoZhaN Ltd, 2002.
6. DEAT (2004). Environmental Auditing, Integrated Environmental Management. Information Series 14, Department of Environmental Affairs and Tourism (DEAT), Available at www.deat.gov.za.
7. Drilling Agreement, Between KoZhaN LLP and Precaspiburneft-Kazakhstan LLP, Contract No: KOZ/CON/001/04, 2004.
8. Environmental Law Institute (2014). "BP Oil Disaster: Restoration & Recovery". Claims and Litigations Overview.
9. Environmental Protection for Onshore Oil and Gas Production Operations and Leases, API Recommended Practice 51R, First Edition, July 2009.
10. Environmental Assessment of Projects and Plans and Program, Rulings of the Court of Justice of the European Union, 2017, Available at: http://ec.europa.eu/environment/eia/pdf/EIA_rulings_web.pdf.
11. <http://www.epa.ie/monitoringassessment/assessment/eia/>.
12. ISO Standards (2015): www.iso.org.
13. Lonter Lev, Tamara (2016). "Liability for Environment Damages from the Offshore Petroleum Industry: Strict Liability Jurisdictions and the Judgment- Proof Problem". *Ecology Law Quarterly*, Vol. 43, pp 481-493.
14. Le Contrat de Partage de Production, La République du Cameroun, (le contrat type). Le Contrat de Partage de Production, portant sur le Permis Kouilou, entre la République Démocratique du Congo et le Groupe Zetah, 1996.
15. Le Contrat de Partage de Production portant sur le Bloc V du Graben Albertine, entre la République Démocratique du Congo et L'association: Dominion Petroleum Congo, SOCO Exploration- Production RDC et La Congolaise des Hydrocarbures, 2007.
16. Le Contrat de Recherche et de Partage de production D'Hydrocarbures portant sur Cayar Offshore profond, entre la République du Sénégal, La Société Petro-Tim Limited et La Société des Pétrole du Sénégal, 2012.
17. Le Contrat de Partage de Production, portant sur les Blocs Ta(14-36-37) dans le bassin de Taoudenni, entre la République Islamique de Mauritanie et Le Groupe Ahmed Salem BUGSHAN Corporate Office(ASB), 2006.

18. Olawuyi, Damilola (2012). «Legal and Sustainable Developments Impacts of Major Oil Spills». *the Jurnal of Sustainable Development*, Colombia University, Vol. 9, Iss.1, pp 1-19.
19. Keffer, William R (1994). “Drilling for Damages: Common Law Relief in Oilfield Pollution Cases”. *SMU Law Review*, Vol 47, pp 523-526.
20. Mayorga Alba, Eleodoro (2010). Environmental Governance in Oil-Producing Developing Countries, Findings from a Survey of 32 Countries.
21. Native Village of Kivalina v. Exxonmobil Corp et al, No. 09-17490, 2009.
22. Petroleum Agreement Regarding The Exploration and Exploitation of Hydrocarbons in the Area of Interest Named “ Cap Boujdour Offshore”, Between Official National des Hydrocarbures des Mines “ONHYM” and Kosmos Energy Offshore Morocco HC, 2011.
23. Petroleum Contract for Contract Area 33/07 in the East China Sea, Between China National Offshore Oil Corporation and Primeline Energy China Limited & Primeline Petroleum Corporation, 2012.
24. Pollution Prevention and Abatement Handbook (1998): www.worldbank.org.
25. Technical Service Contract for The Rumaila Oil Field, Between South Oil Company of the Republic of Iraq and BP Iraq limited, CNPC International (Iraq) Limited & SOMO, 1997.
26. Tienhaara, Kyla (2011 a). “Foreign Investment Contracts in the Oil & Gas Sector: A Survey of Environmentally Relevant Clauses”. *Sustainable Development Law & Policy 11*, No 3, pp 15-40.
27. Tienhaara, Kyla (2011 b). «Environmental Aspects of Host Government Contracts in the Upstream Oil & Gas Sector». *Oil, Gas & Energy Law Intelligence*, pp 1-25.
28. United States of America v. BP E&P. et al., Civ. Action No. 2:10-cv- 04536.
29. Vinogradov, Sergei (2007). “Environmental Protection in the Petroleum Industry”. *Encyclopaedia of Hydrocarbons, Hydrocarbons: Economics, Policies and Legislation*, Vol. IV, pp 507-524.
30. Wawryk, S Alexandra (2002). “International Environmental Standards in Oil Industry: Improving the Operations of Transnational Oil Companies in Emerging Economies”. *Energiant.Res.20J*, pp 402-430.
31. *Wiwa v. Royal Dutch Shell Co, Co.*, No. 96 Civ. 8386 (KMW)(HBP), 1998 U.S. Dist.